

شرایط قاضی - مذكر بودن

برگه جلسه :

صفحه 199 و 200

(جلسه هشتم و هشتم)

مقتضای تحقیق با بیان مبانی بحث و نقد و بررسی ادله اثبات و نفی

مسأله مورد گفتگو در قالب مشروعیت یا عدم مشروعیت قضاوت و تصدی زنان برای پست‌های کلیدی و مشوب به ولایت و امارت بر دیگران از کلان مسائلی است که ورود فنی به آن، دقت، احتیاط و حوصله خاصی می‌طلبد؛ چنان که طرح مقدمات و مبانی چندی را مقتضی است. فنقول و بالله - تبارک و تعالی - نستعین:

مبانی گفتگو

1. مقصود ما از بحث فارغ از جهات غیر دخیل

همگان میدانند که اصل حضور نهادینه و قانونی زنان در جامعه، کیفیت و مقدار حضور، از مسائل مهم معاصر و سده‌های اخیر است. پیامدهای حضور و عدم حضور نیز علاوه بر مطرح بودن آن در مجامع احساسی، غیر علمی و گاه سیاسی، همیشه مورد نظر فرهیختگان، جامعه شناسان، حقوقدانان و - تا حدودی - فقیهان بوده است و از این طریق، بحث مشروعیت آن نیز مطرح شده است. واضح است که در طرح ناصحیح آن، افراطها و تفریطهایی بوده است، لکن آن چه مورد نظر ما است، گفتگوی فقهی و بررسی ادله شرعی در این باره است. البته منظور از «ادله شرعی» خصوص ادله نقلی عام یا خاص مباشر، نیست بلکه تمام آن چه که - به تعبیر ما - از عناصر به حق دخیل در مسأله است (در آینده توضیح داده می‌شود) جزو ادله است. قصر نظر فقیهانه در این گونه مسائل به خصوص ادله نقلی چه عام که به راحتی منطبق بر مورد شود و چه خاص که خود بخود منطبق است، از آفات این گونه گفتگوهاست!

2. آسیب‌شناسی گفتگوها در این مسأله (برخی مسلم‌انگاری‌های ناموجه)

قصر نظر بر ادله مباشر و غفلت از عناصر و اسناد غیر مباشر لکن دخیل در رسیدن به حکم تنها آسیب این گفتگوها نیست. اجماع‌پنداری شکست‌ناپذیر و ضرورت انگاشتن گزاره‌ای معین در مسأله نیز آسیب دیگر است. ما قبلا اطلاق اجماع ادعا شده بر منع قضاوت زن را مورد تردید قرار دادیم و البته بعدا به برخی مخالفت‌های دیگر نیز برخوردیم؛ از جمله این سخن از فقیه مورد توجه میرزای قمی است که می‌فرماید:

«و ربما يشكل في اشتراط الذكورة و غلبة الحفظ و النطق مطلقا؛ لأن العلل المذكورة لها من عدم تمكّن النسوان من ذلك غالبا لاحتياجه الى البروز و تمييز الخصوم و الشهود... غير مطردة فلا وجه لعدم الجواز مطلقا الا ان يعقد الاجماع مطلقا. اقول: و يمكن ان يكون الاجماع بالنظر الى اصل اختيار الولاية و المنصب عموما و أما حكومات خاصة فلم يعلم ذلك من ناقله ان احتملته بعض العبارات فالاشكال ثابت في الاشتراك مطلقا.¹

و این در حالی است که از برخی فقیهان اجماع مطلق در مسأله ادعا گردیده و مورد پذیرش واقع شده است، با این که در فقهشان در غیر این مسأله، عموم اجماعات را به دلیل مدرکی بودن یا احتمال مدرک بازنشسته می‌کنند!²

نمونه‌هایی از مسلم‌انگاری / مشکلات انجمن‌های ایالتی و ولایتی

متن ذیل نیز قابل تامل است:

«متاسفانه می‌آیند در قم که مرکز تشیع است، اعلام می‌کنند که برای بعضی از استان‌ها، استاندار زن منصوب می‌کنیم، مگر می‌خواهید با قرآن و پیامبر جنگ کنید که این چنین خلاف شرع می‌گویید؟ شما با چه کسی می‌خواهید لجاجت کنید؟ آیا با احکام خدا و مسلمات دین مخالف هستید؟»³

البته این که مقصد اعلام کنندگان چه بوده و وجه مخالفت مخالف محترم دقیقاً و در واقع چه بوده است ما را از ظاهر عبارت منصرف نمی‌کند. ظاهر عبارت این است که نصب زنان - احیانا - برای استانداری جنگ با خدا و رسول و مخالفت با احکام مسلم دین حنیف است. باید دید آیا تصدی این پست به حسب ادله شرعی از سوی زنان مخالف ضرورت و تسالم دین است؟ به اعتقاد ما چنین نیست. تسالم انگاری این حکم - گویا - پیشینه‌ای قبل از این فتوا و گفته دارد. جستجو از تاریخ این گونه گزارش می‌دهد که با تدوین لایحه انتخابات در دی ماه 1331 شمسی در ایران و مطرح شدن مشارکت زنان در انتخابات بزرگانی امثال آیت الله بروجردی حساسیت نشان دادند. نکته قابل توجه این است که در لایحه انتخابات هیچ سخنی از امکان مشارکت زنان در انتخابات نرفته بود، بلکه مسکوت نهاده شدن این مسأله در لایحه انتخابات باعث اعتراض نهادها و انجمن‌های مدنی زنان به دولت دکتر مصدق شده بود که طی آن خواهان فراهم آوردن امکان مشارکت زنان در انتخابات شدند. حساسیت مراجع تقلید وقت در خصوص احتمال آنکه در لایحه آتی انتخابات به زنان حقوق سیاسی اعطا شود، به حدی است که همین دو تا نامه⁴ و زمزمه‌های مشابه آن‌ها، بی آنکه در متن لایحه انعکاس یابد، مراجع را به واکنش و امیدارد واکنش آیت الله بروجردی تاحدی بود که تهدید به مهاجرت از قم به عتبات و صدور فتوا کردند و در نهایت با ارسال پیامی اعلام نمودند که «در کشور اسلامی امری که مخالف احکام ضروریه اسلام است، ممکن الاجرا نیست»⁵.

البته مخالفت آیه الله بروجردی را میتوان حمل بر اصل مسأله نکرد و از تبعاتی که این مسأله داشته، سخن گفت لکن به هر حال این سخن گفتن‌ها شاید نتواند از ظهور این نوع عبارات و موضع‌گیری‌ها جلوگیری کند.

(پایان جلسه)

1. رسائل المیرزا القمی، ج2، فی بیان شرائط القاضی، ص598 و 599.

2. قبلاً منابع این ادعاها بیان شده است.

3. سارا شریعتی/ کمال رضوی، دو راهی روحانیت، ص222 به نقل از خبرگزاری ایلنا، 23 مهر 1388، کدخبر 83085.

4. اشاره به دو نامه مذکور در همان، پاورقی ص214.

5. همان، ص 214 و 215.

مشروح درس :

بسم الله الرحمن الرحيم

بحثی که قرار است در این قسمت داشته باشیم تحت عنوان مقتضای تحقیق با بیان مبانی بحث، نقد و بررسی ادله اثبات و نفی.

ما نصوص را بررسی کردیم، ادله را دیدیم، ادله اثبات و نفی (مخالفین) را آوردیم و چون مسأله یک کلان مسأله است باید با دقت و حوصله و احتیاط بحث را دنبال کرد. چنانکه اگر مقدمات و مبانی ای دارد آن‌ها را دید و نباید تک جانبه و با عجله بحث کند.

مبانی گفتگو

مطلب اول: مقصود ما از بحث فارغ از جهات غیر دخیل

در بحث اصل حضور نهادینه و قانونی در جامعه (چون به هر حال زن در جامعه حضور دارد منتهی گاهی این حضور نهادینه و

هدفدار است و گاهی نانهاده و غیر هدفدار و حساب نشده است) کیفیت حضور و مقدار حضور (تا کجا چه مقدار فرض کنید در بخش قضا مطلقاً حضور پیدا کند یا در بخش زنانه) از مسائل مهم دنیا است نه فقط فقه ما. پیامدهای حضور و عدم حضور همیشه مورد بحث و بررسی بوده منتهی گاهی در مجامع احساسی، غیر علمی و حتی سیاسی طبیعتاً در آن جاه‌ها افراط و تفریط‌های زیادی پیدا می‌شود اما فارغ از مجامع احساسی و غیر علمی و سیاسی مورد نظر فرهیختگان، مصلحان، جامعه‌شناسان هم بوده است، حقوقدانان و تا حدودی فقها بوده است و این که می‌گوییم تا حدودی برای این که ما یک بحث اشباع شده‌ی فقیهانه از طرف فقها نداریم ولی نمی‌توانیم بگوییم که هیچ چیزی هم نداریم مخصوصاً فضلالی جوانی عموماً از حوزه در این رابطه حرف‌هایی دارند و این‌جا است که بحث مشروعیت و عدم مشروعیت مطرح می‌شود و الا یک جامعه‌شناس یا یک فرهیخته‌ی مصلح اجتماعی بر روی مشروعیت شرعی بحثی ندارد اما وقتی می‌آید در لایه‌های حقوق و مخصوصاً فقه بحث مشروعیت مطرح می‌شود و افراط و تفریط هم در این‌جا در شکل غیر علمی و احساسی اش بیداد می‌کند. روشن است که نظر ما به یک بحث فقهی است و بررسی جهات سیاسی یا جامعه‌شناسانه مورد نظر ما نیست ما می‌خواهیم ادله‌ی شرعی را در این باب بررسی کنیم همانطور که تا به حال آنچه که بررسی کرده‌ایم ادله‌ی شرعی اثباتاً و نفیاً بوده است و از این به بعد هم در همان حول بحث می‌کنیم و پر واضح است که کار فقیه بررسی ادله است نه مبانی و مصالح و مفاصد و وقتی این مطلب گفته می‌شود برخی می‌روند به دنبال ادله‌ی نقلی، قرآن، حدیث آن هم دلیل خاص که منطبق بر مورد است یا نهایتاً یک چیز عامی پیدا کنند یعنی ادله‌ی نقلی خاص و عام ولی مباشر که به راحتی تطبیق پیدا می‌کند اما در این جور مسائل چند ساحتی نباید فقیه نظرش را مقصور و محصور کند بر ادله‌ی مباشر (عام یا خاص) بلکه باید در این‌جا عناصری را در نظر بگیرد مثل مقاصد مثل ادله‌ی دیگری که راجع به حیا و عفاف داریم و مثل برخی آثار فتوا را مثل این که اگر من فتوا دهم که زن می‌تواند نماینده‌ی مجلس شود، نماینده‌ی مجلس تبلیغات دارد و در تبلیغات باید عکس زده شود، نماینده‌ی ای که بخواهد عکس بزند نمی‌رود یک عکس مسمم‌کننده بگذارد برای تبلیغاتش بلکه ممکن است یک عکس از جوانی خود انتخاب کند و روی آن کار هم شود و بعد این را بگذارد برای تبلیغات، آیا این با برخی از مسائلی که در اسلام وجود دارد سازگار است؟ آیا این روش مطلوب شارع است؟ البته الان ما نمی‌خواهیم قضاوت کنیم و می‌گوییم که باید بحث شود. ما یک تعبیری داشتیم به نام عناصر به حق دخیل در یک مسأله. ما در بحث غیر طاهر المولد می‌گفتیم ممکن است ما دلیل خاصی نداشته باشیم بر این که چنین شخصی قاضی نشود ولی می‌گفتیم اگر بخواهد این کار صورت بگیرد و او مشهور به این وضعیت هم باشد این یک نوع طبیعی انگاری زنا می‌شود و شارع به این راضی نیست. پس فقهی که می‌خواهد در این مسائل ورود کند و می‌خواهد ورود فقیهانه داشته باشد باید این عناصر را در نظر داشته باشد لذا این که من گفتم ما جامعه‌شناس نیستیم و پیامدهای حضور زن از نظر جامعه‌شناسی کاری نداریم اما آن بخشی که مربوط به فتوا بشود را کار داریم مثلاً اگر ثابت شود که بعد از جنگ جهانی دوم که زن‌ها به جامعه‌کشانده شدند و آمدند در صحنه‌ی اجتماع، در ادارات، در کارخانه‌ها و به صورت وسیع از آن‌ها استفاده شد هم نیروی ارزان بودند هم کار خوب می‌کردند هم تسلیم بودند هم از مسائل دیگر سوء استفاده می‌شد از آن‌ها و بعد وضعیت زن در خانه به عنوان یک همسر به عنوان یک مادر تضعیف شد، این‌ها پیامدهای حضور زن در جامعه است. یا برعکس مثلاً کسانی می‌گویند: کسانی که می‌گویند اگر زن از خانه خارج شود فاسد می‌شود اتفاقاً الان در خانه ماندن فسادش بیشتر است چون الان بیرون آمده است در خانه، کلوپ‌های کذایی آمده است در خانه و ... این‌ها اگر در فتوا اثر گزار باشد باید مورد توجه قرار بگیرد و ما معتقدیم که اثر گزار است و نمی‌شود گفت فقط اسناد ملفوظ، قرآن و حدیث مباشر. پس مقصود ما از بحث فارغ از جهات غیر دخیل بررسی ادله است البته با عناصر دخیل با این معنای کلانی که کردیم.

دوم: آسیب‌شناسی گفته‌ها در این مسأله.

این بحث را می‌توان به نگاه سلبی نگاه کرد و بررسی کرد و همین عنوانی که بیان کردیم را بدهیم یا به نگاه اثباتی تحت عنوان روش‌شناسی گفتگو در این مسأله نگاه و بحث کرد منتهی در این صورت باید عناوین مناسب بیان شود و بایسته‌های بحث گفته شود. مثلاً ما گفتیم قصر نظر بر خصوص ادله‌ی نقلی یک آسیب است در روش‌شناسی می‌گویند بسط نظر به همه‌ی ادله و عناصر به حق دخیل یا مثلاً در آسیب‌شناسی می‌گوییم اجماع‌پنداری یا مسلم‌انگاشتن یک گزینه‌ی خاص یک آسیب است؛ اگر بخواهیم روش‌شناسی بحث کنیم باید بگوییم مسلم‌نگرفتن یک نظر در مسأله. اگر اجماع باشد ما قبول داریم اما آیا شما مطمئن هستید که اجماع وجود دارد؟ آیا در موارد جزئی مثل چیزی که محقق اردبیلی فرمود هم اجماع وجود دارد؟ میرزای

قمی در این مسأله تأمل جدی دارد و می فرماید: ادله ای که برای آن می آورند غیر مطرد است. اما افرادی مثل آقای خوبی که در غالب موارد اجماع را از کار می اندازند و می گویند اجماع مدرکی یا محتمل المدرکیه است در این جا که قطعا مدرکی است یا حداقل محتمل المدرکیه است قائل به اجماع می شوند و باید از آن ها پرسید که چطور شما که در همه جا اجماع را به این دلیل بازنشسته می کنید در این جا از اجماع استفاده می کنید و هیچ حرفی از آن اشکال ها نمی زنید؟ من تعجب کردم از برخی از مراجع معاصر سلمه الله مطابق آن چیزی که در کتاب «دو راهی روحانیت» که اخیرا چاپ شده است از یکی از مراجع معاصر که من نام نمی برم. سال 88 برخی از مسؤولان بلند پایه به قم می آیند و مطرح می کنند که برای برخی از استان ها استاندار زن انتخاب کرده ایم. من نمی خواهم دفاع کنم ولی می خواهم نظر را ببینید. در واکنش به حرف آن مقام بلند پایه یکی از مراجع محترم معاصر می فرمایند:

« متأسفانه می آیند در قم که مرکز تشیع است اعلام می کنند که برای برخی از استان ها استاندار زن منصوب می کنیم مگر می خواهید با قرآن و پیامبر جنگ کنید که اینچنین خلاف شرع می گوید. شما با چه کسی می خواهید لجبازی کنید آیا با احکام خدا و مسلمات دین مخالف هستید؟! »

در این جا ممکن است کسی بگوید در این قضیه مقصود اعلان کننده لجبازی بوده است. مخالفت مخالف محترم هم به خاطر آن لجبازی بوده و طرح مسأله و پاسخش سیاسی بوده است، این یک حرفی است ولی ما نمی توانیم این عبارت را از ظاهرش انصراف بدهیم. اگر آن برخورد سیاسی بوده یک ادبیات دیگری را هم می طلبیده است. ما وقتی که مطلب را بیان می کنیم و این بیان می ماند، اخذ به ظاهر می شود دیگر نمی توانیم این توجیحات را داشته باشیم. البته با توجه به شناختی که نسبت به مخالفت مخالف محترم داریم باعث می شود که بگوییم ایشان واقعا نظرش همین است. عرض من این است که آیا مسأله تا این حد مسلم است؟ بله ممکن است کسی این مسأله را خلاف شرع بداند و نظرش این باشد اما این که بگوییم مسأله از مسلمات دین است مثل وجوب نماز است از همان آسیب هایی است که ما الآن در آن هستیم.

این داستان قبل از این هم سابقه دارد؛ استاد این مرجع محترم، مرحوم آقای بروجردی هم شبیه همین برخورد را دارند و داستان از این جا شروع می شود که در سال 1331 یک لایحه ی انتخاباتی تدوین شد که در آن لایحه از مشارکت زنان در انتخابات چیزی مطرح نشده بود، نه رد شده بود و نه پذیرفته شده بود، به دنبال مطرح نشدن مشارکت زنان در انتخابات در آن لایحه دو نامه داریم از گروه زنان که چرا سکوت شده است و مشارکت زنان در انتخابات مطرح نشده است که نامه اش در همان کتاب دو راهی روحانیت نویسنده آورده است. مسکوت ماندن مشارکت زنان در انتخابات و این که صریحا مطرح نشده که ما مشارکت نمی دهیم و از آن طرف اقدام برخی از کانون های به اصطلاح مدافع حقوق زن مبنی بر این که چرا مسکوت مانده است، این جا بود که فضاهای مذهبی را تحریک کرد که موضع بگیرند، در آن موقع مطابق نقل کتاب مورد اشاره مرجع علی الاطلاق آیت الله بروجردی پیامی می دهند (بعد از تحدید به این که من از قم می روم و مهاجرت می کنم) و می فرمایند: «در کشور اسلامی امری که مخالف احکام ضروریه ی اسلام است ممکن الاجرا نیست» یعنی یک نوع تعریض دارند که چرا سکوت شده است و رد نشده است و بیشتر برای فعالان حقوق زن که این کار کار درستی نیست و شما حق چنین اقداماتی را ندارید. البته توسط برخی مراجع دیگر هم مثل سید صدر الدین صدر و آقای کوه کمره ای تأیید شد این نظر. نکته ای که هست «مخالف احکام ضروریه ی اسلام» تازه در مشارکت زنان در انتخابات.

ممکن است کسی بگوید مراجع ما مخالف حضور زنان نبوده اند، اگر خیالشان راحت بود که یک حکومت صالحی این انتخابات را از صدر تا ذیل نظارت می کند می پذیرفتند اما این ها دیدند که این بابی می شود برای خیلی از مسائل دیگر، این ها یک حرف های دیگر است که ممکن است قدری مسأله را رقیق کند ولی نمی شود گفت از ظاهر عبارت دست بکشیم، عبارتی که در تاریخ ثبت می شود و بر روی آن قضاوت می شود.

ما می خواهیم بگوییم ما به عنوان یک فقیه که دارد مسیر را بررسی می کند باید چیزی را مسلم نانگار این مسلم انگاری غلط است هر طرفی که باشد.

به هر حال هر چه فقهای ما انجام داده اند به آن اعتقاد داشته اند، اگر مصیب بودند لهم اجران و اگر مخطئ بودند چه در محتوا چه در روش لهم اجر واحد اما ما هم باید تربیت بشویم که چطور بحث های مهم اینچنینی را برگزار کنیم.